



# جلسه شانزدهم - درس خارج مهدیویت - ۱۷ / ۸ / ۹۱

جلسه شانزدهم - ۱۷ / ۸ / ۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين سيما امام زماننا روحی  
وارواح من سواه لتراب مقدمه الفداه.

## مقدمه

بحث در بررسی روایات رجعت معصومین: بود. تا کنون بیش از ۲۰ روایت در این زمینه بررسی شد که همگی بر رجعت معصومین: و جمعی از انبیاء: اتفاق داشتند. لذا این امر رجعت، برای آن بزرگواران، تقریباً از مسلمات است. اکنون صحبت در این است که آیا رجعت ائمه: برای حکومت و زمامداری است؟ آیا ائمه:، بعد از امام زمان ۴ زمام امور را بدست گرفته و تشکیل حکومت می دهند؟ درباره چنین تفصیلاتی از رجعت، ظاهراً ۲ یا ۳ روایت وارد شده است - روایاتی با تعبیری مانند: لَيَفْلِكَنَّ و لَا بُدَّ أَنْ يَطْطَأَنَّ الْأَرْضَ - که این روایات هم، مشکل سندی داشتند. بنابر این، تفصیلات رجعت ( چند بار رجعت ائمه، برای حکومت و یا یا به جهت تعظیم آنان از حکومت حضرت مهدی و...) برای ما ثابت نشده است. خصوصاً در مقابل، آیات و روایاتی داریم که به طور صریح و شفاف بر حکومت و حاکمیت امام زمان ۴ دلالت دارد و اینکه او آخرین حجت الهی در زمین است و بعد او تا قیام قیامت [چهل روز] حجتی در زمین نخواهد بود. این روایات به جزئیات و تفصیلات حکومت امام زمان ۴ پرداخته است.

نتیجه مقدمه

پس اصل رجعت را در مورد معصومین: می‌پذیریم و قبول تفصیلات رجعت نیاز به دقت بیشتری دارد. مفصلترین روایت در رجعت، همان روایت الهدایه الکبری بود که آن‌هم بیشتر روی شکوائیه‌های معصومین در نزد پیامبر<sup>۹</sup> در دوران رجعت تأکید داشت. و سخنی از حکومت آن حضرات به میان نیاورده بود.

## آیا رجعت قابل انکار است؟

در مقابل قول کسانی که ائمه طاهرين: مخصوصاً امیرالمؤمنین<sup>۷</sup>، در رجعت تشکیل حکومت داده و حاکمیت را به- دست میگیرند، يك نظر تفريطي هم هست که قائلند، اصلاً دليل روشني بر رجعت ائمه: نداریم و رجعت آنها ثابت نمی‌باشد؛ این در حالی است که روایات رجعت متواتر و قضیه رجعت از مسلمات است که ما نمیتوانیم اصل آن را منکر شویم.

## کلام بزرگان در باب رجعت:

### ۱. کلام سید مرتضی

«و قال السيد الشريف المرتضى رضي الله عنه و حشره مع آبائه الطاهرين في أجوبة المسائل التي وردت عليه من بلد الري حيث سألوا عن حقيقة الرجعة لأن شذاذ الإمامية يذهبون إلى أن الرجعة رجوع دولتهم في أيام القائم ع من دون رجوع أجسامهم».

سید مرتضی ۱ در پاسخ مسائلی که از شهر «ری» از وی پرسیده‌اند، از جمله در باره «رجعت» که سؤال کرده بودند: عده قلیلی از شیعیان عقیده دارند که «رجعت» یعنی بازگشت دولت آل محمد در زمان قائم ۴ بدون رجوع بدنهای آنها - رجعت حکومت آنها نه رجعت خودشان- چنین فرموده است:

«الجواب: اعلم أن الذي تذهب الشيعة الإمامية إليه أن الله تعالى يعيد عند ظهور إمام الزمان المهدي ع قوما ممن كان قد تقدم موته من شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و معونته و مشاهدة دولته و يعيد أيضا قوما من أعدائه لينتقم منهم فيلتدوا بما يشاهدون من ظهور الحق و علو كلمة أهله.»

عقیده شیعه امامیه در باره رجعت آنست که خداوند متعال در هنگام ظهور امام زمان مهدی ۴ مردمی از شیعیان آن حضرت را که قبلاً مرده بودند، به دنیا برمیگرداند. تا به ثواب یاری او و مساعدت وی و مشاهده دولت آن حضرت فائز گردند. همچنین مردمی از دشمنان آن حضرت را نیز زنده میگرداند، تا از آنها انتقام گیرد. و آنها نیز از مشاهده ظهور حق و بالا گرفتن دین پیروان حق، آزرده شوند.

«و الدلالة على صحة هذا المذهب، أن الذي ذهبوا إليه مما لا شبهة على عاقل في أنه مقدور لله تعالى غير مستحيل في نفسه فإننا نرى كثيراً من مخالفيها ينكرون الرجعة إنكار من يراها مستحيلة غير مقدورة و إذا ثبت جواز الرجعة و دخولها تحت المقدور فالطريق إلى إثباتها إجماع الإمامية على وقوعها فإنهم لا يختلفون في ذلك و إجماعهم قد بينا في مواضع من كتبنا أنه حجة لدخول قول الإمام «ع» فيه و ما يشتمل على قول المعصوم من الأقوال لا بد فيه من كونه صواباً.» [١]. [ftn1\_#]

دلیل بر اثبات رجعت اینست که: هیچ عاقلی تردید ندارد، که خداوند قدرت بر زنده گردانیدن مردمی در پایان روزگار را، دارد. و این معنی فی نفسه محال نیست. پسوقتی ثابت شد که رجعت عقلاً جایز و از قدرت خداوند خارج نیست، راه اثبات آن بهاین است که میگوئیم علمای شیعه اجماع دارند که این معنی واقع می‌شود، و ما در کتب خود ثابت نموده‌ایم که اجماع علمای شیعه حجت است، زیرا حاکمی از وجود قول امام ۷ در بین این اقوال است.

## ۲. کلام شیخ مفید در المسائل العکبریه

«(المسألة الحادية و العشرون) و سُئِلَ عن قوله تعالى «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»

قد قالت الإمامية إن الله تعالى ينجز الوعد بالنصر للأولياء قبل الآخرة عند قيام القائم و الكرة التي وعد بها المؤمنين و هذا لا يمنع من تمام الظلم عليهم حيناً مع النصر لهم في العاقبة حسب ما ذكرناه.» [٢]. [ftn2\_#]

وقتي از شيخ مفيد در مورد ياري خداوند با توجه به آيه «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا...» سوال شد، فرمودند: رأي اماميه اين است که تحقق وعده الهي، هنگام قيام امام زمان ۴ قبل از آخرت است.

## بيان شيخ مفيد در اوائل المقالات

«القول في الرجعة وأقول: إن الله - تعالى - يرد قوماً من الأموات إلى الدنيا في صورهم التي كانوا عليها فيعز من هم فريقاً ويذل فريقاً ويديل المحقين من المبطلين والمظلومين منهم من الظالمين، وذلك عند قيام مهدي آل محمد ..»

خداوند تعالی گروهی از مردگان را به همان شکل هائی که بوده‌اند، به دنیا باز می‌گرداند. پس گروهی از آنان را عزیز و گروهی را خوار و ذلیل می‌کند و حقوق صاحبان حق و مظلومین را از ظالمان می‌گیرد و این مسأله در زمان قیام حضرت مهدی ۴ است.

وأقول: إن الراجعين إلى الدنيا فريقان: أحدهما من علت درجته في الإيمان، وكثرت أعماله الصالحات، وخرج من الدنيا على اجتناب الكبائر الموبقات، فيريه الله - عز وجل - دولة الحق ويعزه بها ويعطيه من الدنيا ما كان يتمناه والآخر من بلغ الغاية في الفساد وانتهى في خلاف المحقين إلى أقصى الغايات وكثر ظلمه لأولياء الله

واقترافه السيئات، فينتصر الله - تعالى - لمن تعدى عليه قبل الممات، ويشفي غيظهم منه بما يحله من النقمات، ثم يصير الفريقان من بعد ذلك إلى الموت ومن بعده إلى النشور وما يستحقونه من دوام الثواب والعقاب، وقد جاء القرآن بصحة ذلك وتظاهرت به الأخبار والامامية بأجمعها عليه إلا شذاذا منهم تأولوا ما ورد فيه مما ذكرناه على وجه يخالف ما وصفناه.»[٢]. [ftn3 #]

رجعت کنندگان به دنیا دو گروه هستند. ۱- ماحضین در ایمان با اعمال صالحه زیاد که اینها به دنیا بازگردانده میشوند و هر چه در دنیا آرزو داشته و به آن نرسیده اند به آن ها عطا می شود. ۲- گروهی که ماحض در کفر و ظلم بودند، تا گوشه ای از عقوبت جنایات خود را ببینند... و بعد به قیامت متصل شوند.

۳. مرحوم صدوق در کتاب اعتقادات می فرماید:

اعتقادنا في الرجعة أنها حق [٤]. [ftn4 #] وقد قال تعالى: و بعد آیات متعددی را برای اثبات وقوع رجعت می آورد: مانند: « ألم تر إلى الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم أحياهم» [٥] [ftn5 #]

۴. مرحوم حسن بن سلیمان قمی

ایشان هم مانند مرحوم صدوق استدلال کرده و سپس آیات را می آورد و در این باره ادعای اجماع شیخ مفید و سید مرتضی را نقل می کند.

■ مرحوم طریحی هم باز همین مطلب را می فرماید.

۵. مجلسی دوم می فرماید:

بر مومن واجب است که ایمان به رجعت داشته باشد زیرا که آن از اختصاصات شیعه است. و ثبوت رجعت از طرف ائمه بین خاصه و عامه مشهور است. آنچه که ما از روایات می فهمیم این است که خداوند گروهی از مومنین خالص را به دنیا می آورد تا چشمتان به دولت کریمه روشن شود و گروهی از کافران معاند هم به دنیا می آیند تا در دنیا انتقام گرفته شوند. ولی مستضعفان در دین رجعت نمی کنند.

اما درباره رجعت ائمه، روایات متعددی وارد شده که بعضی بر رجعت امیرالمومنین ۷ و بعضی بر رجعت امام حسین ۷ و تعدادی هم بر رجعت پیامبر اکرم ۹ و سایر ائمه : اشاره دارد.

اما روايات در مورد زمان رجعت (زمان امام مهدي ۴ و يا قبل او و يا بعد او) مختلف است. آنچه كه بر مومن واجب است اين است كه معترف به رجوع بعضي از مردم و ائمه: باشد(اجملاً بدانند كه رجعت است) و تفصيلات آن را به خود ائمه: واگذار كند.

سپس ايشان مي فرمايد: كه من يك كتاب مستقلي راجع به رجعت دارم.[۶]. [ftn6\_#]

ايشان، باز در حق اليقين مي فرمايد: از جمله مطلبي كه مورد اجماع شيعة و از ضروريات مذهب شيعة است، حقيقت رجعت است كه ماحض الايمان و ماحض الكفر رجعت مي كنند.[۷]. [ftn7\_#]

## ۶. مرحوم حر عاملي هم در الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة

ايشان علاوه بر اينكه ادعاي اجماع كرده، معتقد است كه رجعت از ضروريات مذهب است.[۸]. [ftn8\_#]

## ۷. مرحوم جزائري

ايشان هم باز همينگونه در مورد رجعت مي فرمايد... تا مرحوم نوري و...

## ۸. مرحوم سيد ابوالحسن اصفهاني[۹] [ftn9\_#]

در پاسخ اين سوال: آيا هنگامي كه امام زمان ۷ ظهور مي كنند، ائمه هم رجعت مي كنند؟ (تاريخ سوال: ۱۷ ماه رمضان ۱۳۶۳ هـ يعني حدود ۷۰ سال قبل، اين سوال را مرحوم والد به ايشان نقل مي كند) جواب مي فرمايد: «نعم الاخبار المتواترة، دالة علي رجوع الائمة بعد ظهور الحجة ۴؛ الاحقر السيد ابوالحسن اصفهاني»

پس اصل رجعت ائمه: از مسلمّات است و جاي خدشه و ترديد نيست، هر چند بعضي از معاصرین به گونه ديگري با روايات رجعت برخورد كرده اند. با تمام احترامی كه براي ايشان، قائل هستيم ولي حرفشان را نمي پذيريم. بايد احاطه اي به روايات داشت، نگاهی به كلمات بزرگان نمود. نبايد فقط به كتاب شريف بحار الانوار اكتفا كرد. بله، بحار الانوار، روايات را نقل كرده و انصافاً جامع هم هست ولي نبايد بحار را محور قرار داد بلكه بايد به مصادر بحار هم توجه كرد. البته خود بحار الانوار كم نيست، حرف مجلسي هم كم نيست، همان حرفهايش هم، حجت است.

## بيان مرحوم صدر در مورد رجعت

قيادة ما بعد المهدي (رهبري و زمامداري بعد از امام مهدي ۴)

وَأُعْنِي بِهِ نَوْعِيَةَ الْحَاكِمِ الْأَعْلَى الَّذِي يَتَوَلَّى رِئَاسَةَ الدَّوْلَةِ الْعَالَمِيَّةِ الْعَادِلَةِ بَعْدَهُ وَنَوَجُّهُ بِهَذَا الصَّدَدِ أَطْرُوحَتَيْنِ رِئَاسِيَّتَيْنِ: حَاكِمِ دَوْلَتِ عَدْلِ جِهَانِي پَسِ اَزِ اِمَامِ زَمَانِ ۷ چِه كَسِي خَوَاهِد بُوَد؟ بَرَايِ پَاسِخِ بِهِ اَيْنِ سَوَالِ، نَخَسْتِ بَايِدِ دُو نَظَرِيه رَا مُورِدِ بَرَرَسِي وَ كَاوَشِ قَرَارِ دِهِيْمِ). [ايشان فرض را براین گرفته كه امام زمان ۷ در همین دنیا قبل از قيامت به فاصله‌ي زيادي از دنیا مي‌رود، لذا سؤال از رهبري و مرجعيت بعد از امام زمان ۴ مي‌نمايد]

الأطروحة الأولى: القول بالرجعة، اي الإلتزام برجوع الأئمة المعصومين إلى الدنيا ليمارسوا الحكم بعد المهدي]

الف) رجعت و بازگشت امامان معصوم ۷ به دنیا و تداوم حکومت جهانی.

الأطروحة الثانية: حكم الأولياء الصالحين بعد المهدي ۷

ب) به حاکمیت رسیدن اولیای صالح.

وقد ورد في إثبات كل من الأطروحتين عدد من الأخبار، لا بد من سماع المهم منها، وعرضها على القواعد والقرائن العامة، لنختار في النهاية إحدى الأطروحتين.

در تأیید هر دو نظریه، روایاتی وجود دارد كه مهم‌ترین آنها را آورده و پس از نقد هر کدام به وسیله اصول و قرائن کلی، سرانجام یکی را بر می‌گزینیم.

القول بالرجعة: (قول به رجعت، امامان معصوم ۷) حين ننظر إلى المفهوم على سعته، يحتمل أن يكون له أحد عدة معان: (این مفهوم در گستره خود، می‌تواند چند معنا داشته باشد):

معانی رجعت در کلام مرحوم صدر

المعنى الأول:

ظهور المهدي نفسه، فإنه قد يصطلح عليه بالرجعة، باعتبار رجوعه إلى الناس بعد الغيبة، أو باعتبار رجوع العالم إلى الحق والعدل بعد الإنحراف. وهذا المعنى حق صحيح، إلا أن اصطلاح الرجعة عليه غير صحيح، لأنه يوهم المعاني الأخرى الآتية التي هي محل الجدل والنقاش، ونحن في غنى عن هذا الإصطلاح بعد إمكان التعبير عن ظهور المهدي بمختلف التعابير، وقد مشينا في هذا الكتاب على تسميته ( بالظهور).

۱- ظهور امام مهدی ۴، گاه از ظهور آن حضرت، به «رجعت» یاد می‌شود. این تعبیر یا بیانگر آن است كه ايشان پس از دوران غیبت به سوی مردم بازمی‌گردد و یا اینکه با ظهور او، جهانیان پس از سقوط و انحراف، به سوی حق و عدالت بازمی‌گردند. این معنا، سخن درستی است ولی اطلاق واژه رجعت بر آن نادرست می‌باشد زیرا موهم معانی

دیگری است که موجب اشتباه و نزاع می‌گردد. بنابراین نیازی به جعل این اصطلاح نیست و می‌توان از آن رویداد بزرگ، با تعبیر دیگری یاد کرد. ما در این کتاب واژه «ظهور» را برگزیده‌ایم.

#### المعنى الثاني:

رجوع بعض الأموات إلى الدنيا، وإن لم يكونوا من الأئمة المعصومين. وخاصة من محض الإيمان محضاً ومن محض الكفر محضاً.

۲- بازگشت برخی اموات به دنیا (هر چند از امامان معصوم نباشند)؛ به ویژه مؤمنان خالص و ماحضین در کفر و عناد

#### المعنى الثالث:

رجوع بعض الأئمة المعصومين (ع) كأمر المؤمنين علي والحسين، وربما قيل برجع النبي أيضاً. وهم يرجعون على شكل يختلف عن حال وجودهم الأول في الدنيا من حيث الترتيب ومن حيث الفترة الزمنية أيضاً.

۳- بازگشت عده‌ای از معصومین؛ مانند: امیر المؤمنین ۷ و امام حسین ۷ و چه بسا خود پیامبر اکرم ۹، البته ترتیب این رجعت، مانند ترتیب قبلی امامت آنها در دنیا نخواهد بود.

#### المعنى الرابع:

رجوع كل الأئمة (ع) بشكل عكسي، ضد الترتيب الذي كانوا عليه في الدنيا، فبعد المهدي يظهر أبوه الإمام الحسن العسكري وبعده يظهر أبوه الإمام علي الهادي وهكذا «[10]. [ftn10\_#]

۴- بازگشت همه امامان معصوم: به ترتیب از آخر. (بعد امام مهدی ۴، امام عسکری ۷ و سپس امام هادی ۷ و همچنان برعکس ترتیب آنها در دنیا) این بود خلاصه فرمایش مرحم صدر ولی البته بنده این شکل از رجعت را جایی ندیده‌ام. إن شاء الله در جلسه بعد، مباحث را دنبال می‌کنیم.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

[۲]. [ftnref2\_#]. شیخ مفید، المسائل العکبرية، ص ۷۲، الشیعه و الزجعة، ج ۲، ص مرحوم والد آیه الله شیخ محمدرضا طبسی.

[۳]. [ftnref3\_#]. شیخ المفید، أوائل المقالات، ص ۷۷ - ۷۸

[۴]. [ftnref4\_#]. الاعتقادات فی دین الإمامیة، شیخ الصدوق، ص ۶۰ - ۶۲

[۵]. [ftnref5\_#]. سورة بقره، آیه ۲۴۳.

[۶]. [ftnref6\_#]. بحار الانوار، ۵۳.

[۷]. [ftnref7\_#]. حق الیقین.

[۸]. [ftnref8\_#]. حر عاملی، الايقاظ، ص ۴۰۷.

[۹]. [ftnref9\_#]. مرحوم والد، ۱۵ سال شاگرد مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی بودند. در قم ظاهراً هفت سال شاگرد مرحوم آیت الله العظمی حائری بودند. بعد از سن ۲۷ سالگی نجف اشرف رفتند. در سفری به نجف اشرف، نمی‌دانم آقای بلاغی به ایشان چه فرموده بود که دیگر ایشان، مصمم به رفتن می‌شوند. با اینکه مرحوم حائری هم موافق نبودند. مرحوم آقای حائری که در عشق علی درس می‌گفتند سوار بر مرکبشان بودند، به طرف درس می‌آمدند که والد ما ایشان روبرو می‌شود و قبل از اینکه به ایشان بگوید که می‌خواهم برای رفتن، خدا حافظی کنم، فرموده بود، می‌خواهی بروی؟! عرض کرده بود: بله؛ مرحوم آقای حائری خیلی ناراحت شده و از ایشان رو برمی‌گرداند. ۴۰ سال نجف اشرف بودند و جزء ملازمین آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و عضو لجنه استفتائاتشان بودند. در کتاب دانشمندان و کتاب آثار الحجة آمده که ۶ نفر عضو لجنه استفتائات؛ مرحوم آقای بجنوردی و شیخ موسی خوانساری مقرر درس مرحوم آقای نائینی و شیخ حسین حلی و مرحوم والد بودند.

[۱۰]. [ftnref10\_#]. تاریخ مابعد الظهور، ج ۳ ص ۶۳۰

### شاید این موارد نیز مورد علاقه شما باشد

							
صوت دریں	جلسه ۲۰	گفتگو با آیت	الجزیره	جلسه ۸ بحث	فیلم / تمسک	جلسه ۷ بحث	جلسه سیزدهم
خارج کلام/	بحث روایات	الله طبسی با	الخضراء (به	خروج. یا جوج	به	روایات ندای	= درس خارج
شناخت ائمه	= ندای آسمانی	موضوع	عربی)	= و مأجوج =	امیرالمومنین و	= آسمانی =	مهدویت -
مذاهب عامه/	درس خارج	آخر الزمان و		درس خارج	نجات از هلاکت	درس خارج	۹۱/۸/۱۴
سال تحصیلی	مهدویت -	حکومت		مهدویت -		مهدویت -	
۱۳۹۲-۹۳	۹۰/۱۲/۲۰	جهانی حضرت		۹۱/۰۲/۱۰		۹۰/۱۰/۱۸	
		مهدی (عج)					